

پیش از آشنایی با این مغالطه، کمی در مورد تداخل که یکی از احکام مربع تقابل هستش صحبت کنیم. تداخل دو تاست؛ یکیش رو من می‌گم یکیش رو تو بگو. اول یه مرور بکنیم که تداخل چی بود اصلاً. دو تا قضیه حمله که موضوع و محمول و نسبت یکسان دارن اما سورشون (کمیتشون) فرق می‌کنه.

یعنی:

هر الف ب است و بعضی الف ب است.

هیچ الف ب نیست و بعضی الف ب نیست

من سالبه اش رو حل می‌کنم موجه اش رو تو بگو:

(۱) فرض کن «هیچ الف ب نیست» صادق باشه، قطعاً بین الف و ب رابطه تباین برقراره.

برای همین همیشه ادعا کرد که «بعضی الف ها ب» نیستند. پس «بعضی الف ب نیست» هم صادق.

(۲) فرض کن «هیچ الف ب نیست» کاذب باشه، قطعاً بین الف و ب تباین نیست پس تساوی و مطلق (الف > ب) و من وجه و مطلق (الف < ب) بین الف و ب برقراره که توو دو حالت اول نمی‌شه گفت «بعضی الف ب نیست» (پس کاذبه) و توو دو حالت دوم همیشه گفت «بعضی الف ب نیست» (پس صادق) پس در کل نتیجه قطعی نداریم.

(۳) حالا فرض کن «بعضی الف ب نیست» صادق باشه، یعنی توو کدوم نسبت ها «بعضی الف ب نیست» داریم؟ قطعاً تباین و من وجه و مطلق (الف < ب) که اگه تباین باشه می‌تونیم بگیم «هیچ الف ب نیست» اما اگه من وجه مطلق (الف < ب) باشه نمی‌تونیم بگیم؛ پس صدق «بعضی الف ب نیست» ما رو به نتیجه قطعی در مورد «هیچ الف ب نیست» نمی‌رسونه.

(۴) حالا فرض کن «بعضی الف ب نیست» کاذب باشه، یعنی کجا و توو کدوم نسبت این قضیه رو نداریم؟ خب معلومه توو تساوی و مطلق (الف > ب). به نظرت با این دو تا فرض همیشه نتیجه گرفت که «هیچ الفی ب نیست»؟ معلومه که نه! پس اگه «بعضی الف ب نیست» کاذب باشه، «هیچ الف ب نیست» هم کاذبه. نتیجه و جمع بندی تداخل این شد که:

**اگه قضیه کلی صادق باشه، جزئی هم صادق میشه و اگه قضیه جزئی کاذب باشه، کلی هم کاذب میشه.**

برای ابطال یک حکم کلی همیشه باید از مثال نقض استفاده کنیم. مثال نقض در واقع یک مصداق یا نمونه است که اون حکم کلی در موردش درست نیست؛ مثلاً یکی می‌گه همه درس های منطق سخت هستند. برای اینکه این رو باطل کنیم و بگیم غلطه کافیه یه درس مثال بزنی که سخت نیست؛ مثلاً درس ۶

**یه مغالطه داریم به اسم استثنای قابل چشم پوشی یعنی چی؟ یعنی همین مثال نقضی که بالا توضیح دادم رو در نظر نگیری و بگی اون یه استثناست و حکم کلی منو باطل نمی‌کنه و همچنان بر کلی بودن حکم خود اصرار کنیم.**

## مثال ببینیم:

- احسنت! همه دانش آموزان این کلاس، نمرات درخشانی در امتحان فلسفه به دست آورده اند!
- استاد پس چرا متین زیر ۱۰ شد؟
- اون یه استثناست.

## به عنوان حسن ختام، یه نمونه تست هم از این مغالطه ببینیم!

کدام گزینه درباره استثنای قابل چشم پوشی صحیح نیست؟

- (۱) هنگامی که ادعایی کلی مطرح می شود، یافتن یک مثال نقض آن حکم کلی را باطل می کند، عدم رعایت این نکته ما را دچار مغالطه استثنای قابل چشم پوشی می کند.
- (۲) اگر برای یک قضیه موجب کلی یک قضیه عکس به صورت موجب کلی بنویسیم، دچار مغالطه استثنای قابل چشم پوشی شده ایم.
- (۳) در صورت پیدا شدن استثنایی در یک حکم کلی همچنان بر کلی بودن حکم اصرار کنیم، دچار مغالطه استثنای قابل چشم پوشی شده ایم.
- (۴) پذیرش ابطال حکم کلی در صورت مواجهه با یک مورد نقض حکم کلی، مانع وقوع مغالطه استثنای قابل چشم پوشی می شود.

پاسخ: گزینه ۲

امغالطه «استثنای قابل چشم پوشی» عبارت است از اینکه: هنگامی که ادعایی کلی مطرح می شود یافتن یک مثال نقض آن حکم کلی را باطل می کند و در صورتی که با وجود پیدا شدن استثنایی در یک حکم کلی همچنان بر کلی بودن حکم اصرار کنیم، دچار مغالطه «استثنای قابل چشم پوشی» شده ایم. اگر موجب کلی را به موجب کلی عکس کنیم، دچار مغالطه ایهام انعکاس شده ایم و نه مغالطه استثنای قابل چشم پوشی. پس در تفاوت دو مغالطه ایهام انعکاس و استثنای قابل چشم پوشی توجه کنید. موارد زیر را خوب مطالعه کنید: - در مغالطه استثنای قابل چشم پوشی ما با یک حکم و قضیه و یک مثال نقض روبه رو هستیم اما در مغالطه ایهام انعکاس دو قضیه داریم که یکی از دیگری با عکس مستوی انتاج شده اما شرایط عکس مستوی رعایت نشده است.

- مغالطه استثنای قابل چشم پوشی بیشتر شبیه مغالطه تعمیم نارواست؛ زیرا هر دو با مثال نقض سروکار دارند؛ اما تفاوت آن ها این است که استثنای قابل چشم پوشی مربوط به بعد از پیدا شدن مثال نقض و اصرار لجوجانه فرد بر حکم کلی است. - به دلیل مشخص بودن شرایط عکس مستوی تشخیص ایهام انعکاس آسان تر است پس حتما شرایط عکس مستوی را به حافظه به بسپرید.